«شرق» از تخریب گسترده زلزله در مسکن مهر گزارش می‌دهد

آوار دلهره بر سر ۱/۵ میلیون نفر

عضو کمیسیون عمران مجلس از اولتیماتوم یک ماهه به آخوندی برای ارائه لایحه نظام مهندسی خبر داد

ادامه از صفحه اول

خبر رسید که ساختمان کناری آن که ازقضا آن‌هم مسکن مهر است، همچنان مستحکم سرپاست و حتی آجری از آن هم نیفتاده. پیمانکارش برخلاف دو پیمانکار دیگر، بوی تعهد می‌داد و از جیبش برای این پروژه خرج کرده بود. گویا اشاره نیکزاد، وزیر راه‌وشهرسازی احمدی‌نژاد نیز به همان ساختمان است که محل بهره‌برداری سیاسی و فرار رو به جلو شده. نیکزاد، وزیر راه‌وشهرسازی دولت احمدی‌نژاد که این روزها محل هجمه منتقدان قرار گرفته بود، جوابیه‌ای منتشر کرد و در آن این انتقادات را سیاسی خواند و باز هم مانند سایت دولت بهار که منتسب به احمدی‌نژاد و یارانش است، ادعا کرد تنها دیوارهای تعدادی از واحدهای مسکونی دچار آسیب شده است.

عکس: امیر جدیدی، شرق

پیمانکاران ۲ بیمارستان دستگیر شدند

از آن طرف، جنجال‌ها سر دو بیمارستان تخریب‌شده در سرپل‌ذهاب و اسلام‌آباد غرب هم صدای همه را درآورده است؛ دو ساختمانی که هر دو تنها چند سالی است که به بهره‌برداری رسیده‌اند و حالا شدت تخریب‌های آنها آن‌قدر بالاست که کارشناسان از ضعف طراحی، اجرا و کیفیت مصالح آن، یکجا حرف می‌زنند. این اتفاق آن‌قدر سنگین بود که محمدرضا عدالت‌خواه، رئیس‌کل دادگستری استان کرمانشاه، از دستگیری پیمانکار بیمارستان سرپل‌ذهاب که در زمین‌لرزه اخیر تخریب شده، خبر داد. رئیس کل دادگستری کرمانشاه گفت: پیمانکار با وثیقه آزاد می‌شود تا ساختمان بیمارستان را بازسازی اصولی و فنی و برای مردم قابل استفاده کند. یک روز قبل از آن هم خبر آمد که پیمانکار بیمارستان اسلام‌آباد غرب در بازداشت است. صادق عزیزی، دادستان عمومی و انقلاب اسلام‌آباد غرب، در تشریح جزئیات خبر بازداشت پیمانکار بیمارستان این شهرستان گفت: این فرد با عنوان اتهامی تقلب در ساخت بنای دولتی و نیز داشتن شاکی خصوصی در بازداشت است. اینها تنها اخبار قضائی این روزها درباره اشتباهات پیمانکاران نیست.مهدی امیری‌اصفهانی، معاون امنیتی دادستان کل کشور، نیز گفته: همان‌طور که مستحضر هستید، کارفرمای بیمارستان سرپل‌ذهاب روزهای گذشته بازداشت شده و دستگاه قضا با قاطعیت این پرونده را پیگیری خواهد کرد؛ زیرا رعایت استانداردهای فنی و اصول ایمنی در ساخت‌وسازها و نظارت دقیق بر اعمال آنها از سوی همه دست‌اندرکاران ذی‌ربط ضرورت دارد و حفظ جان و مال مردم وظیفه‌ای انکارنشدنی است و از کوتاهی در این عرصه نمی‌توان گذشت؛ بنابراین به مردم عزیز قول برخورد قاطع با مسببان این حادثه را می‌دهیم».

متضرران از مسکن مهر شکایت کنند

این در حالی است که این روزها، چند نفر از حقوق‌دانان گفته‌اند افرادی که در مسکن مهر آسیب دیده‌اند، می‌توانند شکایت کنند. بهمن کشاورز، رئیس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا)، با اشاره به تخریب خانه‌های مسکن مهر در زلزله غرب کشور، گفته: دراین‌باره مانند بسیاری از موارد دیگر، سازمان‌های نظارتی و به‌ویژه مجلس وقت، نظارت کافی را نداشته‌اند و با قضیه با اغماض و تسامح بسیار برخورد کرده‌اند؛ بنابراین کسانی که عملا و بالفعل از این قصور یا تقصیرها لطمه دیده و متضرر شده‌اند، می‌توانند شکایت کنند.

تعداد فوتی‌ها دروغ است

از این خبرها بگذریم، می‌گویند تنها دو نفر در ساختمان‌های مسکن مهر فوت کرده‌اند؛ خبری که البته شاهدان عینی آن را رد می‌کنند. یکی از محلی‌ها به «شرق» می‌گوید: «فقط یکی از دوستان من در این مسکن مهر بود و چهار نفر از خانواده‌اش زیر آوار مردند! دروغ است. کجا فقط دو نفر مرده‌اند؟».

وجدانم آسوده است

سراغ پیمانکار اول می‌روم؛ همان‌که ساختمانش نریخته و گویا هنوز تعهد کاری دارد. می‌گوید: «برایم پول مهم نبود. به شرف مرتضی علی ۶۵۰ میلیون تومان از جیب گذاشتم. ضرر کردم؛ اما این مسکن مهر را درست ساختم تا وجدانم آسوده باشد». می‌پرسم این ساختمان‌های بغلی را چه‌کسی ساخته؟ می‌گوید: «بعضی از همکارانم. چه بگویم؟ بگویم کیفیت کارشان خراب است؟ من تمام‌وقت خودم بالای سر کار بودم. ناظر بودم. حتی تعاونی‌های وزارت مسکن و شهرسازی هم ناظر مقیم سر کار فرستادند؛ اما من با آنها کار ندارم. راضی نمی‌شدم به نظارت‌ها. خودم بالای سر کار بودم».

البته این گفته او را رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران رد می‌کند. او روز گذشته خبر داد ۹۰ درصد ساختمان‌ها ناظر نداشته‌اند. بااین‌حال، شواهد عینی چیز دیگری می‌گوید. حتی یکی از مهندسان سازه که در محل حضور داشت نیز می‌گفت تقریبا هیچ‌یک از این سازه‌ها، بی‌ناظر نبوده‌اند. به نظر می‌رسد ادعاهای مطرح‌شده چیزی شبیه فرار به جلو از سوی برخی مسئولان سازمان نظام مهندسی باشد. پیمانکار البته اشاره می‌کند که با وجود نظارت از سوی ناظران تعاونی‌های مسکن و شهرسازی، این نظارت‌ها بسیار کم بوده و نمی‌شد روی آنها حساب کرد. او در ادامه حرف‌هایش اشاره می‌کند به تفاوت تخریب دو مسکن مهر اسلام‌آباد غرب: «در اسلام‌آباد، فاز یک تقریبا کامل تخریب شده؛ اما فاز دو که سال ۹۱ ساخت آن را شروع کردم و سال ۹۳ آن را تحویل دادم، در پارکینگ فقط چند دیوار که هنوز سوار نشده بود و اتصال نداشت ریخته؛ اما جاهای دیگرش حتی یک آجر هم نیفتاده و شیشه هم حتی نشکسته».

نظر او را درباره تخریب مسکن مهرهای دیگر می‌پرسم. می‌گوید: «تیرها خیز برداشته. مشخص است طراحی آنها اشکال داشته... طراحی با سازه همخوانی نداشته... شدت این زلزله بالا بوده، اما سازه هم خیز خورده بود. بعد دیوارها یکی یکی روی هم افتادند...».

۲ نفر فوتی در محوطه بودند نه داخل خانه!

پیمانکار دیگر که چندان دل خوشی برای پاسخ‌گویی نداشت، تا پرسشم را مطرح می‌کنم، با اوقات‌تلخی می‌گوید حرف نمی‌زنم. اما ثانیه‌ای بعد می‌گوید: «فقط این را بگویم که فقط دو نفر از دوهزارو ۵۰۰ نفر ساکن مسکن مهر فوت شدند. آن هم داخل مسکن مهر نبودند؛ در محوطه بودند».

وقتی آماده پاسخ‌گویی می‌شود، نظرش را در مورد عکس منتشرشده از ستون‌های مسکن مهر می‌پرسم. همان عکسی که نشان می‌داد انگار خرده‌آجر در ستون‌ها بوده و همین مسئله استحکام آنها را زیر سؤال برده است. تند می‌شود: «اگر در پایه‌اش خرده‌آجر باشد با زلزله ۷.۳ ریشتر دوام می‌آورد؟ کدام عقل این را قبول می‌کند؟ اینها همه دروغ است...».

صدای بوق می‌آید. دیگر صدایش را نمی‌شنوم. گویا خوش ندارد کسی اشتباهاتش را به رویش بیاورد.

عکس جنجالی تکذیب شد

یک منبع آگاه که برای بازدید از محل تخریب‌های گسترده در سرپل‌ذهاب حاضر شده بود، نظر تخصصی‌اش را در مورد انتشار آن عکس مشهور به «شرق» می‌گوید: «مغلطه شده است. آنچه در عکس دیدید، ستون اصلی نیست، بلکه ملاتی است که با آن می‌خواستند سنگ را روی ستون سوار کنند. نیازی به آن ملات هم نبود و می‌توانستند سنگ را روی ستون اصلی هم نصب کنند».این متخصص سازه از گستردگی تخریب‌ها می‌گوید: روستای کوئیک تقریبا صددرصد تخریب شده و حدود صدنفر کشته داشته است. عمدتا ساختمان‌ها روستایی و قدیمی بوده و فقط چند ساختمان نوساز سالم مانده‌اند.او به ساختمان‌های داخل شهر هم اشاره کرده و می‌گوید: در خود شهر ساختمان‌های مختلفی آسیب دیده‌اند. برخی از ساختمان‌های شخصی‌ساز هم تغییرشکل داده‌اند؛ ریخته یا آسیب‌های زیادی دیده‌اند که این آسیب‌ها به دلیل عدم رعایت الزامات مقررات ملی ساختمان و یک‌سری اصول مشخص و معین مهندسی ساختمان بوده و ناشی از ایرادات طراحی و بعضا ایرادات اجرای ساختمان بوده است. این منبع آگاه می‌گوید: سازه‌های مسکن مهر سرپل ذهاب سالم است، اما دیوارهای بیرونی فروریخته که ناشی از عدم اجرای صحیح جزئیات سفت‌کاری و نازک‌کاری ساختمان است. دو ساختمان مسکن مهر که ساکن هم نداشت، آسیب جدی و اساسی دیده، به‌نحوی‌که یک طبقه به‌طورکلی از بین رفته که نشان می‌دهد علاوه بر ایرادات در اجرا، بتون کیفیت لازم را نداشته است.

به گفته او، هیچ ساختمان مسکن مهری طبق گفته‌ها بدون ناظر نبوده است. بنابران باید خواستار پاسخ‌گویی ناظران آن هم بود. این متخصص سازه که در محل حضور داشته، با اشاره به تخریب ساختمان بیمارستان اسلام‌آباد غرب، می‌گوید: این ساختمان به‌طورکلی آسیب دیده و نمای دیوارها و همین‌طور سقف‌های کاذب آن هم فروریخته‌اند که به ایرادات اجرائی برمی‌گردد.

ادامه در صفحه ۷

www
shargh
daily
ir

حق بیمه و دستمزد مانع تولید نیست

ادعای غیرقابل پذیرش کارفرمایان

فرشاد اسماعیلی
پژوهشگر حقوق کار و تامین اجتماعی

صندوق‌های بیمه‌ای ماهیت بین‌نسلی دارند و به سبب همین ویژگی «بین‌نسلی» است که بحث صندوق‌های بیمه‌ای مهم‌ترین بحث رفاهی امروز و آینده در همه کشورهاست. هریک از صندوق‌های بیمه‌ای در کشورهای مختلف وضعیت خاص خود را داشته و دلایل بقا و افول آنها مطابق با همدیگر نخواهند بود و نمی‌توان در مواجهه با وضعیت بحران در صندوق‌ها از یک نسخه واحد در همه کشورهای دنیا استفاده کرد. آنچه در وضعیت صندوق‌های بیمه‌ای در شیلی یا آرژانتین اتفاق افتاده است، دلایل بین‌المللی و داخلی متعددی داشته که نمی‌توان از آن وضعیت‌ها، نسخه تجویزی جهانی و درعین‌حال واحدی برای همه صندوق‌های بیمه‌ای در همه جای دنیا استخراج کرد؛ بااین‌حال عوامل متعددی در گشایش کانال‌ها غیر از سیاست‌های جهانی برای افزایش ضریب پشتیبانی در صندوق‌ها مطرح است که مهم‌ترین آن - که به شکل تنگاتنگی به بحث وضعیت معیشتی کارگران نیز گره می‌خورد- بحث «حق بیمه دریافتی از کارفرمایان» است.دفتر محاسبات سازمان تأمین اجتماعی در گزارش اخیر خود آمار بسیار مهمی منتشر کرده که بسیاری از ادعاهای سال‌های اخیر اقتصاددانان راست و کارفرمایان بزرگ در کشور را رد می‌کند.هدف این گزارش، محاسبه سهم حق بیمه از قیمت تمام‌شده کالاهای تولیدشده در صنایع مختلف بوده و به‌همین‌دلیل هزینه‌های مربوط به تولید به دو بخش «دستمزد پرداختی به نیروی کار» و «سایر هزینه‌ها» تفکیک شده است و سهم دستمزد نیروی کار، به‌عنوان سهم ارزش‌افزوده‌ای که به کارگران پرداخت می‌شود و به آن «سهم دستمزد» می‌گویند، محاسبه شده است.

در این گزارش با استفاده از رابطه «دستمزد» و «قیمت نهایی کالای تولیدشده» درباره هزینه‌های دستمزدی و هزینه‌های تولید به محاسبه سهم دستمزد و در نهایت سهم حق بیمه از قیمت تمام‌شده کالا در سال ۱۳۹۳ پرداخته شده است. در محاسبه سهم حق بیمه کارفرمایی ضریب ۲۳ درصد به کار گرفته شده و فرض بر این بوده که این کارگاه‌ها مشمول بیمه بی‌کاری بوده‌اند. آمارهای استفاده‌شده در این گزارش، اطلاعات و داده‌های حاصل از نتایج طرح آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی کشور است که این آمارگیری هرساله برای سه گروه کارگاهی با ۱۰ نفر و بیشتر، ۱۰ تا ۴۹ و ۴۹ نفر و بیشتر از طرف مرکز آمار ایران انجام و نتایج آن پس از نهایی‌شدن منتشر می‌شود. این آمارگیری به تفکیک نوع صنعت صورت‌گرفته و نتایج آن به صورت یک گزارش جامع منتشر می‌شود.

محاسبات انجام‌شده در دفتر محاسبات سازمان تأمین اجتماعی نتایج مهمی را به دست می‌دهد که در شرایط کاری کارگران، بحث بحران صندوق‌های بیمه‌ای، بحث‌های اقتصادی صاحبان سرمایه در مخالفت با افزایش دستمزد و ادعاهای کارفرمایان در جلسات شورای‌عالی دستمزد بسیار حائز اهمیت و به‌دردبخور است: مطابق نتایج این گزارش در کارگاه‌های ۱۰ تا ۴۹ نفر در کل صنعت حدود ۲.۷۶ درصد هزینه تولید، به‌عنوان حق بیمه کارفرمایی پرداخت شده و در کارگاه‌های با ۵۰ نفر کارکن و بیشتر در کل صنعت حدود ۲.۰۷ درصد هزینه تولید به‌عنوان حق بیمه کارفرمایی پرداخت شده است. بنابراین این ارقام نشان می‌دهد که ادعای سال‌های سال اقتصاددانان راست و کارفرمایان بزرگ مبنی بر اینکه «دستمزد» و «حق بیمه» هزینه هنگفت و سنگینی را بر کارفرمایان تحمیل می‌کند، پذیرفتنی نیست و اساسا با این میزان دستمزدها و حق بیمه‌ها تنها به صورت میانگین بین دو تا چهار درصد از کل هزینه‌های کارفرمایان را به خود اختصاص می‌دهد و حتی بسیاری از کارفرماها یک درصد از کل هزینه‌هایشان صرف حق بیمه می‌شود (جدول پیوست).

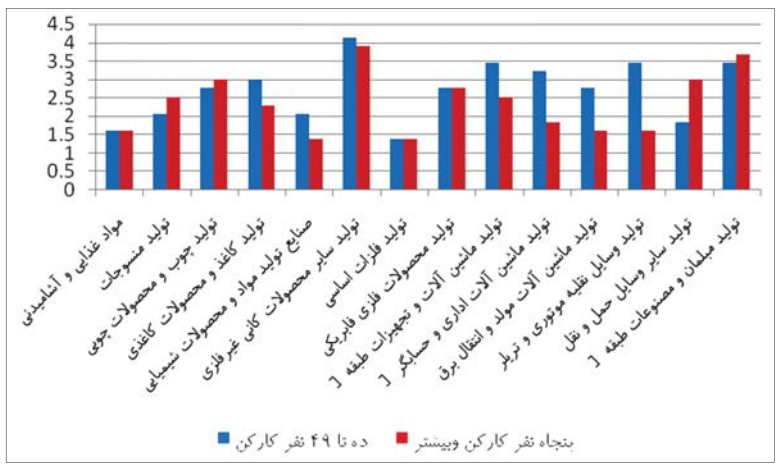

این آمارها پیام مهمی برای شورای‌عالی دستمزد و تصمیم‌گیران دستمزدی دارد. سال‌هاست که اساس و شالوده تحلیل نمایندگان کارفرمایی در مخالفت با افزایش واقعی دستمزد بر این استوار است که اساسا دستمزد و حق بیمه مربوطه هزینه بر تولیدکنندگان است و همین تحمیل هزینه‌هاست که مانع تولید می‌شود؛ اما آمار جدید دفتر محاسبات سازمان تأمین اجتماعی، می‌تواند از سوی نمایندگان کارگری در بحث‌های دستمزدی و بیمه‌ای مورد استناد واقع شود؛ چراکه این آمار نشان می‌دهد ادعای نمایندگان کارفرمایی به‌هیچ‌وجه مستند و موجه و واقعی نیست و کمترین هزینه‌ها از کل هزینه‌های تولید مربوط به دستمزد و حق بیمه کارگران است و به‌هیچ‌وجه قابلیت ایجاد مانع در تولید نداشته و نخواهد داشت. علاوه‌براین در وضعیت سربه‌سری صندوق بیمه تأمین اجتماعی قطعا یکی از قابل‌تحقق‌ترین اهداف در زمینه جلوگیری از نزول ضریب پشتیبانی به کمتر از پنج و رفتن به سوی ورشکستگی، همین افزایش واقعی دستمزدهاست. قطعا به واسطه این آمار و ارقام می‌توان این ادعای واهی را که حق بیمه‌ها جلوی تولید را گرفته، کنار زد و با تعیین سازوکار مشخص قانونی از سوی نهادهای قانون‌گذار در موضوع نحوه جبران عقب‌ماندگی‌های دستمزدی (مثلا ایام جنگ و سال‌های تورم) شاهرگ‌های وصولی سازمان تأمین اجتماعی را باز کرد.

آگهی فراخوان عمومی شرکت در ارزیابی کیفی مناقصه شماره ۲۰-۹۶ نوبت اول

شرکت پتروشیمی جم در نظر دارد نسبت به انتخاب مشاور "پروژه عملیات نشست سنجی و پایش پایداری سازه‌های مجتمع پتروشیمی جم" واقع در عسلویه (منطقه ویژه اقتصادی پارس)، از طریق مناقصه و فراخوان عمومی اقدام نماید. لذا از کلیه شرکتهای دارای تجربه و صلاحیت در زمینه فعالیت مذکور دعوت به عمل می‌آید تا در صورت تمایل به حضور در مرحله ارزیابی کیفی و تعیین مناقصه گران، نسبت به دریافت اسناد ارزیابی کیفی مناقصه اقدام نمایند. خلاصه اطلاعات و شرایط ارزیابی کیفی عبارت‌اند از:

۱-موضوع مناقصه: انتخاب مشاور اجرای پروژه نشست سنجی سازه‌های پتروشیمی جم و تهیه گزارش نهایی پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها مطابق دوره های مندرج در شرح خدمات مناقصه مربوطه

۲-مناقصه‌گزار: شرکت پتروشیمی جم

۳-محل انجام پروژه: استان بوشهر – منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی (عسلویه) - شرکت پتروشیمی جم

۴-نحوه تهیه اسناد: جهت دریافت اسناد ارزیابی کیفی ارائه معرفی‌نامه رسمی حاوی ایمیل متقاضی و فیش واریزی به مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال (غیرقابل استرداد) به حساب ۲۶۶۳۱۰۷۰۰۶ بانک تجارت به نام پتروشیمی جم الزامی است.

۵-مهلت خرید اسناد: بازه زمانی تعیین‌شده برای فروش اسناد ارزیابی کیفی مناقصه از روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۲۴ لغایت روز چهارشنبه ۱۳۹۶/۰۹/۰۱ بوده و متقاضیان می‌توانند از ساعت ۹:۰۰ صبح تا ۱۴:۰۰ بعدازظهر با ارائه مدارک فوق‌الذکر، نسبت به تحویل گرفتن اسناد مذکور از امور حقوقی و پیمان‌های مناقصه گزار به آدرس تهران : خیابان توانیر، خیابان نظامی گنجوی، پلاک ۲۷ (روبروی شهرداری)، طبقه۳ اقدام نمایند.

۶-مهلت تحویل اسناد: اسناد خریداری شده بایستی تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۱۱ تکمیل و با مهر و امضای صاحبان امضای مجاز در پاکت دربسته به دفتر مرکزی مناقصه گزار (به نشانی فوق الذکر) تحویل داده شوند.

۷-شماره تلفن و ایمیل: ۸-۸۸۶۵۰۴۵۷-۰۲۱ Email: tender@jpcomplex.com

تمامی مکاتبات و هماهنگی های لازم از طریق پست الکترونیک بوده و کنترل مستمر دریافت ایمیل ها جهت اطلاع از آخرین اطلاعیه ها توسط مناقصه گر الزامی است.

۸-شرایط لازم جهت شرکت در مناقصه (ارائه پیشنهاد قیمت):

الف: دارا بودن گواهینامه صلاحیت ذیل و تایید در مرحله ارزیابی کیفی .

۱.گواهینامه صلاحیت مشاوره پایه ۱ یا ۲ در تخصص نقشه برداری زمینی رعایت بخشنامه‌های شماره ۳۹۳۷۷ مورخ ۹۵/۰۴/۲۸ و شماره ۷۰۹۳۵ مورخ ۹۴/۰۷/۲۱ صادره از سوی سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس

ب: مناقصه گزار بر اساس آیین‌نامه داخلی خود در رد یا قبول هر یک یا تمام مدارک ارسالی بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است.

روابط عمومی پتروشیمی جم

نگاه

شهرهای نفتی از پول نفت بی‌بهره‌اند

نان‌آوران بی‌نان

سعید ساویز . کارشناس نفت و انرژی

● امشب صدای تیشه از بیستون نیامد/ شاید به زیر آوار فرهاد خفته باشد

از گذشته‌های دور مناطقی مانند آبادان، اهواز یا مسجدسلیمان علاوه بر سبک معماری مرسوم و محلی، صاحب شکل ویژه‌ای از شهرک‌سازی‌ها و خانه‌سازی بوده‌اند. این خانه‌ها که از ساخت بعضی از آنها نزدیک به یک قرن می‌گذرد، هنوز پابرجا هستند و معماری جالب آنها که برگرفته از سقف شیب‌دار مناطق استوایی و شبه‌قاره است، توجه هر بیننده‌ای را جلب می‌کند. نکته جالب درباره این خانه‌ها این است که تمامی این شهرک‌ها را شرکت نفت ایران و انگلیس و در زمانی که زمام امور به دست اجانب بود و حداقل سهم درآمدهای نفتی عاید ایران می‌شد ساخته است.به‌دلیل استقرار برخی مناطق نفت‌خیز در جغرافیای محروم و برای خدمت‌رسانی و تأمین حداقل‌ها در مناطقی که نفت و گاز کشور از زمین آنها استخراج می‌شود، موضوع تخصیص میزانی از بودجه به مناطق یادشده همواره مطرح بوده که در آخرین مورد در قانون بودجه سال جاری، بانک مرکزی مکلف شده در طول سال و متناسب با وصول منابع، بلافاصله برای واریز سهم سه درصد مناطق نفت‌خیز، گازخیز و کمتر توسعه‌یافته موضوع ردیف درآمدی ۲۱۰۱۰۹ جدول شماره «۵» قانون بودجه اقدام کند. این مبالغ به‌صورت ماهانه واریز و از ماه یازدهم سال محاسبه و تسویه می‌شود. مجلس در جلسه علنی دوشنبه ۱۳ اردیبهشت ۹۵ مطابق با ماده الحاقی ۴۲، دولت را مکلف کرد سه درصد از درآمدهای حاصل از فروش نفت خام و گاز طبیعی را به مناطق نفت‌خیز و مناطق محروم اختصاص دهد؛ این اعتبارات باعث کاهش بودجه استانی آنها نمی‌شود.لایحه یادشده با ایراداتی همراه شد و سرانجام رئیس‌جمهوری قانون الحاق یک تبصره به قانون اصلاح جدول‌های شماره «۴» و «۸» قانون برنامه چهارم توسعه و قانون بودجه سال ۱۳۸۶ را برای اختصاص دو درصد از درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی به استان‌های نفت‌خیز و گازخیز و شهرستان‌ها و بخش‌های محروم کشور برای اجرا ابلاغ کرد.از سویی به خاطر داریم که در هشت سال دولت مهرورز با سروصدای رسانه‌ای زیاد و با صرف هزاران میلیارد از درآمد کشور و بیت‌المال طرحی موسوم به مسکن مهر برای احداث سرپناه‌های ارزان‌قیمت برای اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد کلید خورد. شامگاه بیست‌ویکم آبان ۹۶ درست زمانی که سرما در بیرون دیوارهای خانه‌های مردم کرمانشاه بیداد می‌کرد، زلزله‌ای به قدرت ۷.۲ ریشتر بخش‌های مرزی ایران و عراق را لرزاند. شدت زلزله زیاد بود، اما در بخش سلیمانیه و حلبچه که از مناطق محروم عراق به حساب می‌آیند و سال‌ها تحت ظلم صدام و ارتش بعث بوده‌اند و همچنین تا چندی پیش داعش تا بیخ گوششان پیش آمده بود، کمترین خرابی و تلفات پیش آمد، اما درون مرزهای ایران و در شهرستان‌های نفت‌شهر و سرپل ذهاب چسبیده به فیلدهای نفتی آذر و چنگوله، تنگ بیجار، نفت‌شهر، سومار و دهلران در دو استان کرمانشاه و ایلام تخریب و تلفات زیاد بوده است. حتی به گوش می‌رسد که بیشترین تلفات مربوط به تخریب مسکن بی‌مهر دولت مهرورز است.اگر درآمد فیلدهای نفتی غرب کشور فقط یک ماه به مناطق آسیب‌دیده اختصاص یابد چه مبلغی می‌شود؟ چگونه این بودجه‌ها اختصاص می‌یابد؟ و کجا هزینه می‌شود؟

ادامه از صفحه اول

از زلزله چه می‌توان آموخت؟

البته تشخیص خلافکاری‌های برخی از عوامل دولتی برای خود دولت و مردم کاملا روشن است.اما جیغ و داد راه‌انداختن با یافتن راه‌حل بلندمدت از زمین تا آسمان تفاوت دارد. ضمنا اگر راه‌حل‌های دولتی با دخالت مردم صورت نگیرد، باز هم خطاهای گذشته تکرار خواهد شد. پس از زلزله بوئین‌زهرا، دولت وقت برای اطمینان از اینکه مردم منطقه در آینده از زلزله در امان باشند، تصمیم گرفت کنار خانه‌های ویران‌شده روستایی خانه‌های یک‌طبقه و مقاوم بسازد. مدت‌ها طول کشید که روستاها به کمترین سروسامان رسیدند. اما همین که اقتصاد روستا تقویت شد، تقریبا همه روستاییان دوباره خانه‌های خود را ساختند و خانه‌های ساخته‌شده به وسیله دولت را به طویله اسب‌ها و گوسفندان خود تبدیل کردند. در فاصله زمانی میان وقوع زلزله و آغاز بازسازی بم، نگارنده همراه با چند کارشناس ارشد ایرانی و خارجی از بم بازدید کردم و طرح‌های منتخب بازسازی را بررسی کردم. چند نکته جالب نظر من را جلب کرد که همان زمان در مقاله‌ای در مجله معمار منعکس کردم. نخست اینکه به محض آغاز ثبت‌نام بازمانده‌های زلزله برای دریافت کمک از دولت، شمار کسانی که ثبت‌نام کردند از جمعیت پیش از زلزله بم تجاوز کرده بود. مردم بی‌کار از اطراف بم به امید دریافت پول و کمک‌های رفاهی به بم آمده و خود را به عنوان سکنه بم جا زده بودند. به دلیل تخریب شهر، تشخیص بومی از غیربومی امکان‌پذیر نبود. دوم اینکه تقریبا همه کودکان در سنین مدرسه و دبیرستان در زلزله‌ای که نیمه‌شب روی داده بود، کشته شده بودند. اما طرح جامع یا طرح بازسازی شهر اولویت زیادی به احداث مدارس- آن‌هم کنار خیابان‌ها - داده بود. این مدارس سال‌ها با شمار بسیار اندکی دانش‌آموز کار می‌کردند. سوم اینکه در طرح شهرسازی، فضای زیادی از شهر را به فروشگاه‌ها در کنار خیابان‌ها داده بود. در حالی که مردم برای تأمین مایحتاج روزانه خود باید به فروشگاه‌هایی که در دل محله‌های شهر احداث شوند مراجعه کنند. نه اینکه ناچار شوند برای خرید از خودرو استفاده و به مرکز شهر رفت‌وآمد کنند. چهارم با تغییر کاربری‌ها برای استفاده از فضاهای پیش‌بینی‌شده در طرح، مساحت زیادی از نخلستان‌های باقی‌مانده پس از زلزله را برای احداث ساختمان‌های چندطبقه اختصاص داده بودند. شهر بم در آن زمان یکسره نخلستان بود. حتی حیاط‌ها نیز پر از درخت خرما بود؛ گرچه بناهای آنها خراب شده بود. به عبارت دیگر، طرحی که عمدتا از سوی مهندس مشاور تهیه شده بود، به‌جای اینکه قاتق نان مردم بم شود، قاتل جان شهر شده بود. ۲۵ سال پیش از زلزله بم، تهیه طرح بازسازی طبس در خراسان بر عهده شخص معاون شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی آن زمان واگذار شده بود. این معاون هیچ آشنایی‌ای با شهر طبس نه در زمینه آب‌وهوای آن و نه درباره ویژگی‌ها فرهنگی آن نداشت. یک روز که برای کاری به دفتر این شخص در خیابان تخت‌جمشید آن زمان مراجعه کردم، دیدم نقشه جغرافیا طبس را روی میز کنفرانس پهن کرده و دارد برای بازسازی آن طراحی می‌کند. در ایران آن زمان ابتدا نقشه می‌کشیدند و سپس برای خالی‌نبودن عریضه، تهیه گزارش توجیهی، آن را به افرادی که کارشان صرفا تهیه گزارشات توجیهی اما توخالی طرح‌ها بود واگذار می‌کردند. خدا کند که این سنت مرضیه امروز منسوخ شده باشد! در جمع‌بندی، ذکر این چند نکته را ضروری می‌دانم؛ نخست اینکه زلزله اخیر در غرب ایران آخرین زلزله نخواهد بود. دوم اینکه مدیریت بحران این نیست که پس از رویداد زلزله بنشینند و برای بازماندگان چاره‌اندیشی کنند. کوچک‌ترین مدل عمل همان ایستگاه‌های آتش‌نشانی است که باید پیش از آتش‌سوزی آماده کمک سریع باشند. باید در سراسر ایران، به‌ویژه در نقاط شناخته‌شده زلزله‌خیز برای کمک‌رسانی سریع پایگاه‌های ثابت به وجود آید. از این پایگاه‌ها حتی می‌توان برای امدادهای مشابه در سطح بین‌المللی استفاده کرد. سوم اینکه تصمیم‌گیری باید با درک کامل ویژگی‌های منطقه و روحیات و توانایی‌های مردم صورت گیرد، نه در تهران. چهارمین نکته این است که ایران یک کشور پهناور و متنوع به‌لحاظ آب‌وهوا و روحیات مردم است. استفاده از طرح‌های استانداردشده و تقلید از بلندمرتبه‌سازی‌های غربی و متداول در امارات برای ایران زیان‌بخش است. نخستین رویداد هر زلزله، قطع آب و برق و خرابی ساختمان‌های بلند است. ترمیم آنها کار یک روز و دو روز نیست. در فاصله خرابی تا بازسازی، مردم - به‌ویژه سالمندان - نمی‌توانند از پله‌های ساختمان‌های بلند رفت‌وآمد کنند. به دلیل اقتصاد متمرکزشده در شهرها، جوانان روستایی در روستاها نمی‌مانند و به امید یافتن کار به شهرها پناه می‌برند. امروز تعداد بسیار زیاد ماشین‌های مسافرکشی در تهران که نمره شهرهای غربی و شرقی را دارند، نشان از این مهاجرت است. آنچه باقی می‌ماند، سالمندانی هستند که به دلایل زیاد باید در ساختمان‌های چند اشکوبه‌ای که از ۱۵ سال پیش تاکنون در مسیر میان شهرها و روستاها ایجاد شده زندگی کنند. این با سنت زندگی روستایی در تضاد است. پنجم اینکه هر واحد مسکونی در روستا همواره یک واحد تولیدی بوده است. حیف است که آن را به یک واحد مصرفی تبدیل کنیم. ششم اینکه تکنولوژی امروز بازگشت مردم شهرنشین به روستا را تشویق می‌کند. این حرکت حتی شهرهای ما را از آلودگی نجات خواهد داد. پس باید آن را تشویق کنیم. این نوشتار نسخه‌نویسی نیست. تنها چند تذکر است که ان‌شاءالله مورد توجه دست‌اندرکاران قرار گیرد.